

Biannual Journal of Applied Counseling  
2017, 7(2), 17-32  
Received: 14 March 2017  
Accepted: 02 Nov 2017  
DOI:10.22055/jac.2017.21520.1434

دوفصلنامه مشاوره کاربردی  
۱۷-۳۲، ۷(۲)، ۱۳۹۶  
دریافت: ۹۵/۱۲/۲۴  
پذیرش: ۹۶/۰۸/۱۱

## بررسی و مقایسه تمایزیافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی<sup>۱</sup>

### The study and comparison self-differentiation, communication patterns, and sexual satisfaction in divorce-applicant and normal couples

Hamid Rezaeian  
Samira Massumy  
Simin Hosseinian

حمید رضاییان\*  
سمیرا معصومی\*\*  
سیمین حسینیان\*\*\*

#### Abstract

The aim of this study was to investigate and compare self-differentiation, communication patterns, and sexual satisfaction in divorce-applicant divorce-applicant and non-divorce-applicant non-divorce-applicant couples in Qom city. 100 divorce-applicant and 70 non-divorce-applicant couples were selected using voluntary sampling method and, and responded Smith's and Schroon's Differentiation Questionnaire, Christensen and Salavy's Scale of Communication Patterns, and Larson's Sexual Satisfaction Questionnaire. Data was analyzed by one-way analysis of variance and SPSS-18 software. The results showed that communication patterns and sexual satisfaction there are significantly different between divorce-applicant and non-divorce-applicant couples, and not in self-differentiation. In result, can be concluded that couple's communication patterns and sexual satisfaction are determinations their tendency or distendency toward divorce.

**Keywords:** Divorce, self-differentiation, couples' communication patterns, sexual satisfaction, divorce applicant

#### چکیده

این مطالعه با هدف بررسی و مقایسه تمایزیافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر قم انجام گرفت. ۱۰۰ زوج متقاضی طلاق و ۷۰ زوج عادی در شهر قم به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند و به پرسشنامه تمایزیافتگی اسکورون و اسمیت، مقیاس الگوهای ارتباطی زوجین کریستنسن و سالووی و پرسشنامه رضایت جنسی لارسون و همکاران پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس یک راهه و نرم‌افزار SPSS-۱۸ تحلیل شدند. نتایج نشان داد که در الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی بین زوج‌های متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنادار وجود دارد، و نه در میزان تمایزیافتگی خود. در نتیجه می‌توان بیان کرد که الگوهای ارتباطی و میزان رضایت جنسی زوجین تعیین‌کننده‌های گرایش یا عدم گرایش زوجین به سمت طلاق باشند.

**واژه‌های کلیدی:** طلاق، تمایزیافتگی خود، الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی

۱. این مقاله بر گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره با مجوز پژوهشی شماره ۹۴/۵/۱/۳۰۰۷ د می‌باشد.

\* دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه الزهراء، تهران

Massumy.s@gmail.com

\*\* کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهراء، تهران (نویسنده مسئول)

\*\*\* استاد گروه مشاوره، دانشگاه الزهراء، تهران

### مقدمه

مهم‌ترین عامل فروپاشی خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی آسیبی تحت عنوان طلاق<sup>۱</sup> است که بر فرد، خانواده و اجتماع آثار مخربی دارد (ترودل و گولدفورب، ۲۰۱۰). هرچند طلاق از ابتدای زندگی اجتماعی بشر وجود داشته و حتی طبق قدیمی‌ترین اسناد حقوقی، از ابتدا صورت قانونی نیز داشته است؛ ولی در هر عصری درصد نسبی طلاق در حد معقولی بوده و وجود آن ضرری جبران ناپذیر به بنیاد اجتماع وارد نمی‌ساخته است اما امروزه جامعه انسانی شاهد افزایش روز افزون نرخ طلاق در جامعه می‌باشد؛ به طوری که بیم نابودی بنیاد خانواده می‌رود و به دنبال آن جامعه شاهد روز افزون انحرافات اجتماعی و ناهنجاری‌های روانشناختی در افراد مطلقه و فرزندان طلاق می‌باشد (شمس‌الدینی، ۱۳۹۵).

بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور تعداد طلاق از ۹۴۰۳۹ مورد در سال ۱۳۸۵ به ۱۶۵۹۷۱ مورد در سال ۱۳۹۵ رسیده و روز به روز نیز در حال افزایش است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۵). با افزایش سریع طلاق پژوهشگران و روان‌شناسان بیش از پیش به اهمیت این واقعه پر استرس و علل ایجاد کننده آن در زندگی زناشویی پی برده‌اند. پژوهشگران معتقدند عوامل گوناگونی در سطوح فرد، خانواده و جامعه به تفکیک و نیز در تعامل با یکدیگر بر رابطه بین زوجین اثر گذاشته و ممکن است منجر به افزایش گرایش آن‌ها به سمت طلاق شوند (آماتو، ۲۰۱۰). از جمله این عوامل می‌توان به میزان تمایزیافتگی خود<sup>۲</sup>، الگوهای ارتباطی<sup>۳</sup> و رضایت جنسی<sup>۴</sup> زوجین اشاره نمود.

تمایزیافتگی خود یکی از مفاهیم کلیدی نظریه نظام‌های خانواده درمانی بوئن<sup>۵</sup> است که در روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کند. بوئن (۱۹۷۸) تمایزیافتگی خود را به عنوان درجه‌ای که در آن فرد قادر است بین کارکرد عقلانی - هیجانی و صمیمیت - خودمختاری در روابط تعادل برقرار کند، تعریف می‌کند. میزر (۲۰۱۱) معتقد است تمایزیافتگی یک ویژگی شخصیتی است که در سطوح مختلف درون روانی و برون روانی نمایان می‌شود. از نظر او تمایزیافتگی در سطح درون روانی به عنوان فرآیندی است که در درون فرد رخ می‌دهد و شامل مؤلفه‌های جایگاه من<sup>۶</sup> و واکنش‌پذیری عاطفی<sup>۷</sup> است؛ و تمایزیافتگی در سطح برون روانی نیز به عنوان فرآیندی است که در روابط بین افراد به وقوع می‌پیوندد و شامل مؤلفه‌های هم آمیختگی با دیگران<sup>۸</sup> و گسلس عاطفی<sup>۹</sup> است. در دیدگاه وی مؤلفه‌ی جایگاه من به معنای داشتن حس روشنی از خود و استقلال در افکار و باورها است و واکنش‌پذیری عاطفی به غلبه

- 
1. divorce
  2. differentaion of self
  3. couple communication patterns
  4. sexual satisfaction
  5. Bowen
  6. i - position
  7. emotional reactivity
  8. emotional fusion
  9. emotional cutoff

احساس‌های فرد بر عقل و منطوق‌اش و پاسخگویی بر پایه هیجان‌ها اشاره دارد. اما در سطح بین فردی، هم آمیختگی با دیگران اشاره به از دست دادن استقلال خود و انحلال و هم آمیختگی در طی روابط صمیمانه با دیگران، به‌خصوص افراد مهم زندگی دارد. گسلس عاطفی نیز بیانگر نوعی احساس تهدید و آسیب‌پذیری در روابط و بعضاً تمایل به اتخاذ رفتارهای دفاعی مانند فاصله گرفتن، قطع ناگهانی رابطه و انکار اهمیت رابطه با دیگران است.

بر طبق نظر بوئن (۱۹۷۸) سطح تمایز یافتگی فرد در بین خانواده مبدأ رشد می‌کند و به شدت تحت تأثیر پویایی‌ها و تعاملات بین اعضای خانواده قرار دارد و زندگی آینده فرد تأثیر می‌گذارد. متأسفانه بسیاری از زوجین به دلیل امتزاج شدیدی که با خانواده مبدأ خود دارند این مجال و اجازه را به آن‌ها می‌دهند که از همان روزهای اول زندگی مشترکشان در زندگی زناشویی آن‌ها مداخله کنند بطوریکه هرچه امتزاج فرد با خانواده مبدأ بیشتر باشد احتمال اضطراب و بی‌ثباتی بیشتر خواهد بود و تمایل خانواده برای یافتن راه حل از طریق جنگ و نزاع، فاصله‌گیری و اختلال در عملکرد نیز بیشتر خواهد شد (گلدنبرگ و گلدنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰، ترجمه: نقش‌بندی و ارجمند، ۱۳۹۲). اسکورون و فریدلندر<sup>۲</sup> (۱۹۹۸)، به نقل از امانی، یوسفی و فنایی، (۱۳۹۵) نشان دادند که سطوح پایین تمایز یافتگی پیش‌بینی کننده‌ی اضطراب و نشانه‌های روان‌شناختی بالا در زوجین و خانواده است. اسکورون (۲۰۰۰) نشان داد که افراد عادی نسبت به افراد متقاضی طلاق از نظر میزان تمایز یافتگی در سطح بالاتری هستند. موسوی (۱۳۹۴) نشان داد که زنان متقاضی طلاق در همه ابعاد تمایز یافتگی به جزء واکنش‌پذیری عاطفی نمره‌های پایین‌تری نسبت به زنان دارند. مطالعه‌ی صمدی (۱۳۹۴) نشان داد که مؤلفه‌های تمایز یافتگی مثل گسلس عاطفی بهترین پیش‌بینی طلاق است. و محسنیان، کرملو و گنجوی (۱۳۸۶) دریافتند که میزان تمایز یافتگی زوجین متقاضی طلاق نسبت به زوجین عادی در حد پایین‌تری قرار دارد.

علاوه بر این، یکی از عوامل بین فردی مؤثر بر رضایت و عدم رضایت زناشویی، توجه به الگوهای ارتباطی زوجین<sup>۳</sup> است. ارتباط خوب نقشی تعیین‌کننده در احساس امنیت زوجین ایفا می‌کند (بشارت، ۱۳۹۱). ارتباط زوجین شامل فرایندی است که در آن زن و شوهر به صورت کلامی و غیر کلامی در قالب گوش دادن، مکث، حالت چهره و ژست‌های مختلف به تبادل افکار و احساس‌ها می‌پردازند (امانی و لطافتی، ۱۳۹۲). کریستنسن و شنگ<sup>۴</sup> (۱۹۹۱)، به نقل از بابایی، مدنی و لواسانی، (۱۳۹۳) الگوهای مقابله با مشکلات که زوجین در موقعیت‌های تعارض‌آمیز در زندگی زناشویی خود به کار می‌برند را الگوهای ارتباطی زوجین نامیده‌اند. وایلی (۲۰۰۰) معتقد است که همسران مجموعه‌ای از الگوهای ارتباطی را میان خود برقرار می‌کنند و رفتارهای مشکل‌آفرین صرفاً اجرای همان الگوها هستند. کریستنسن و سالاوی

- 
1. Goldenberg & Goldenberg
  2. Skowron & Friedlander
  3. couple communication patterns
  4. Christensen & Shenk

(۱۹۹۱) الگوهای ارتباطی بین زوجین را به سه دسته الگوی ارتباطی سازنده متقابل<sup>۱</sup>، توقع/کناره‌گیری<sup>۲</sup> و اجتناب متقابل<sup>۳</sup> تقسیم کرده‌اند. بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند ارتباط زناشویی کارآمد پیش‌بینی‌کننده قوی کیفیت زناشویی (لدیتر، ۲۰۰۹) و در مقابل ارتباط ناکارآمد سرچشمه نارضایتی زناشویی است (گلاسر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳، ترجمه: فیروز بخت، ۱۳۸۵). در این راستا اسمیت، هون و سیاروچی (۲۰۰۸) معتقدند که تشدید الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیر منجر به مشکلات دائم زناشویی می‌شود. به طوری که زوجینی که الگوی ارتباطی آن‌ها عمدتاً توقع / کناره‌گیر است در طی زمان رضایت زناشویی خود را از دست می‌دهند و به سوی طلاق کشیده می‌شوند. مطالعه کریستنسن و سالاوی (۱۹۹۱) نشان داد که زوجین مراجعه‌کننده به کلینیک و زوجین طلاق گرفته از نظر الگوهای ارتباطی سازنده متقابل نمره کمتری را نسبت به زوجین بدون استرس و عادی کسب کرده‌اند و بیشتر از الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیر و اجتناب متقابل در روابط خود استفاده کرده‌اند. میلز (۲۰۰۸) هم رفتار توقع/کناره‌گیر (زن متوقع/مرد کناره‌گیر) را پیش‌بینی‌کننده کاهش رضایت زناشویی و در نتیجه جدایی زوجین می‌داند. کدخدایی (۱۳۹۴). نشان داد زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی از نظر الگوهای ارتباطی سازنده متقابل و توقع / کناره‌گیر با یکدیگر تفاوت دارند. بطوریکه زوجین متقاضی طلاق بیشتر از الگوی توقع / کناره‌گیر و زوجین عادی از الگوی سازنده متقابل استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش طراح (۱۳۹۴) نشان داد که نوع الگوهای ارتباطی زوجین می‌تواند بی‌ثباتی ازدواج را پیش‌بینی کند. بابایی، مدنی و لواسانی (۱۳۹۳) توصیه می‌کنند که با افزایش الگوی ارتباطی سازنده متقابل در بین زنان متقاضی طلاق دلزدگی زناشویی آن‌ها کمتر خواهد شد. نتایج تحقیقات اسمیت، هون و سیاروچی (۲۰۰۸) و هیون، اسمیت، پرابهاکار و آبراهام (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که الگوهای ارتباطی سازنده منجر به رضایت زناشویی بیشتر می‌گردد و در مقابل الگوهای ارتباطی مخرب از جمله اجتناب و کناره‌گیری سطح رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد. در یک مطالعه خانواده‌های غیرسالم به دلیل نقص در مهارت‌های ارتباطی در تعاملات درون خودمین اعضا با مشکلاتی روبرو می‌شوند که این مشکلات موجب گفت و شنود محدود میان آنها می‌گردد. در خانواده‌های سالم از یک سو کفایت فرایندها موجب تسهیل ابراز خود در میان اعضا خانواده می‌گردد و از سوی دیگر مناسب بودن سطح کیفی و کمی محتوی خانواده شرایط را برای تأمین و اجابت درخواستها، احساس‌ها و افکار متنوع اعضا را محیا می‌سازد (سامانی و بهبهانی، ۱۳۹۰).

عامل بین فردی دیگری که در شکل‌گیری تعارض‌های زناشویی و گرایش زوجین به سمت طلاق به نظر می‌رسد نقش اساسی دارد، رضایت جنسی<sup>۵</sup> است (فونتس و ایگلسیس، ۲۰۱۴). غریزه جنسی خود

1. mutual productive communication
2. demand-withdraw communication
3. mutual avoidance communication
4. Glasser
5. sexual satisfaction

نوعی کشش دلپذیر است که زن و مرد را به سوی ازدواج کشانیده و بقاء و تداوم خانواده را تضمین می‌کند و تأثیر غیرقابل انکاری در زندگی زناشویی و انسجام و پایداری آن و نقش بنیادی را در حرکت به سوی سلامت و تعادل روانی زوجین ایفا می‌کند (شاه سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸). در تمام فرهنگ‌ها روابط جنسی موجه در قالب و چارچوب روابط زناشویی شکل می‌گیرد. کیفیت و رضایت از رابطه جنسی زناشویی منجر به فراهم آوردن محیطی امن، شاداب و مناسب برای پرورش فرزندان می‌شود (درعلی و سهرابی، ۱۳۹۳). بوالهروی، رمضان‌زاده، عابدی نیا، تقی‌زاده، پهلوانی و صابری (۱۳۹۱) نشان دادند که ۸۸ درصد از افراد مطلقه در روابط جنسی مشکل دارند. کوب، تدسچی و کالهوم (۲۰۰۶) نشان داد که عدم توجه به نیازهای جنسی همسر، زوجین را دچار عصبانیت و دل‌سردی می‌کند و به تدریج موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه و در نهایت منجر به افسردگی، خیانت و طلاق می‌شود. سانتیلا، واگر، ویتینگ، هارلار، جرن، جانسون و ساندنابا (۲۰۰۸) و اشدون، هاکارثون و کلارک (۲۰۱۱) نشان دادند. که رضایت جنسی عامل شکست یا موفقیت در روابط زناشویی زوجین می‌باشد. شاکریان، نظری، معصومی، ابراهیمی و دانایی (۲۰۱۴) نشان دادند که زنان متقاضی طلاق از سطح رضایت جنسی پایینی برخوردارند و همین رضایت جنسی پایین می‌تواند مشکلات زناشویی میان زوجین را پیش‌بینی کند مطالعه مهدوی (۱۳۹۱) نشان داد که میانگین میزان رضایت جنسی در افراد عادی بیشتر از افراد در آستانه طلاق است. پژوهش قاسمی (۱۳۹۵) نشان داد که مهم‌ترین متغیر پیش‌بین برای گرایش زوجین به سمت طلاق رضایت جنسی پایین است و رضایت جنسی بیشتر با گرایش به طلاق کمتر در زنان همراه است.

اگر تمایز یافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی به گونه‌ای مطلوب اتفاق نیفتند؛ می‌توانند موجب بروز اختلال در عملکرد هر یک از زوجین شده و بر روابط زوجی و کیفیت زندگی زناشویی آنان اثرات سوء داشته باشند و در نهایت موجب انحلال خانواده و زندگی زناشویی زوجین شود. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که آیا بین میزان تمایز یافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی تفاوت وجود دارد؟

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر توصیفی-پس رویدادی بود. جامعه این پژوهش شامل کلیه زوج‌های متقاضی طلاق (توافقی) مراجعه‌کننده در ۶ ماه اول ۱۳۹۴ به دادگاه خانواده استان قم و زوجین عادی ساکن در شهر قم بودند. ۱۰۰ زوج متقاضی طلاق (توافقی) از طریق مراکز مشاوره با مجوز سازمان بهزیستی (مرکز عارف، شهید ارشادی، اندیشه سبز و صدرا) جهت مشاوره قبل از طلاق و ارجاع از طرف دادگاه و ۷۰ زوج عادی شهر قم از طریق مراجعه به منازل و مجتمع‌های مسکونی و محل کار آنها به صورت داوطلبانه و بر اساس ملاک‌های ورود به پژوهش ۱۸-۶۰ سال، داشتن حداقل سواد ششم ابتدایی و تمایل به شرکت در پژوهش برگزیده شدند.

### ابزار اندازه‌گیری

**پرسشنامه تجدید نظر شده تمایز یافتگی خود<sup>۱</sup> (DSI-R).** فرم اولیه این پرسشنامه توسط اسکورون و فریدلندر در سال ۱۹۹۸ تهیه شده و سپس در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورون و اسمیت (به نقل از شایگان، ۱۳۹۲) مورد تجدید نظر قرار گرفته است. این پرسشنامه دارای ۴۵ ماده و ۴ مؤلفه واکنش‌پذیری هیجانی، موقعیت من، گسلس عاطفی و هم آمیختگی با دیگران است، در این پرسشنامه ماده‌ها در یک طیف شش رتبه‌ای لیکرت (۱ = کاملاً مخالفم تا ۶ = کاملاً موافقم) مرتب شده است. که حداقل و حداکثر نمره در این پرسشنامه به ترتیب ۴۵ و ۲۷۶، و نمره کمتر در این پرسشنامه نشانه سطح پایین تمایز یافتگی است. یونسی (۱۳۸۵) ضرایب پایایی باز-آزمایی برای کل پرسشنامه ۰/۸۵، و برای مؤلفه‌های واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۷۷، موقعیت من ۰/۶۰، گسلس عاطفی ۰/۶۵، و امتزاج با دیگران ۰/۷۰؛ اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) این ضرایب در کل پرسشنامه ۰/۹۲ و برای واکنش عاطفی ۰/۸۹، گسلس عاطفی ۰/۸۴، موقعیت من ۰/۸۱ و آمیختگی با دیگران ۰/۸۱؛ و آقاجانی، شوقی و نعیمی (۱۳۹۳) ضرایب کل پرسشنامه ۰/۸۳ و باز-آزمایی ۰/۸۱ ( $p < ۰/۰۰۱$ ) و برای چهار مؤلفه از ۰/۷۷ تا ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی بیانگر تأیید چهار عامل واکنش‌پذیری هیجانی، موقعیت من، گسلس عاطفی و هم آمیختگی با دیگران است (امانی، و همکاران، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های واکنش عاطفی، گسلس عاطفی، موقعیت من و آمیختگی با دیگران به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۶۴، ۰/۵۳ و ۰/۷۲ و در کل پرسشنامه ۰/۸۱ بدست آمد.

**پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین<sup>۲</sup> (CPQ).** این پرسشنامه در سال ۱۹۸۴ توسط کریستنسن و سالووی در دانشگاه کالیفرنیا تدوین شده و دارای ۳۵ ماده و سه الگوی ارتباطی سازنده متقابل، اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیری می‌باشد، که ماده‌های آن در یک طیف ۹ رتبه‌ای لیکرت (۱ = اصلاً امکان ندارد تا ۹ = خیلی امکان دارد) مرتب شده‌اند (عبادت‌پور، ۱۳۷۹، به نقل از بابایی و همکاران، ۱۳۹۳). عبادت‌پور (۱۳۷۹) همبستگی این پرسشنامه را با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ برای مؤلفه ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع/کناره‌گیر به ترتیب ۰/۵۸، ۰/۵۸- و ۰/۳۵، هیوی، لاین و کریستنسن (۱۹۹۳) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ این مؤلفه را از ۰/۷۸ تا ۰/۸۱ و ۰/۸۴؛ و خجسته مهر، عطاری و شیرالی (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۷۳ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای سه مؤلفه الگوی ارتباطی سازنده متقابل، توقع/کناره‌گیر و اجتناب متقابل به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۵۰ و ۰/۶۲ و در کل پرسشنامه ۰/۸۰ بدست آمد.

**پرسشنامه رضایت جنسی<sup>۳</sup> (SSQ).** این پرسشنامه در سال ۱۹۸۱ توسط لارسون، هادسون، هریسون و کروسکاپ<sup>۴</sup> (به نقل از آقایی، ۱۳۹۳) برای ارزیابی سطوح رضایت جنسی زوجین ساخته شده و دارای

1. Differentiation of Self Questionnaire
2. Communication Patterns Questionnaire
3. Sexual Satisfaction Questionnaire
4. Larson, Hadson, Harisson, & Keroscub

۲۵ ماده است که ماده‌ها در یک طیف لیکرت هفت رتبه‌ای از (۰ = هرگز تا ۶ = همیشه) تنظیم شده است. حداقل و حداکثر نمره در این پرسشنامه به ترتیب ۰ و ۱۵۰ می‌باشد. همبستگی این پرسشنامه با خرده مقیاس رضایت جنسی از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)، ۰/۷۴ (پوترز و کاپل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸، به نقل از پوراکیبر، ۱۳۸۹) و روایی سازه این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی حاکی از چهار عامل تمایل به برقراری روابط جنسی، نگرش جنسی، کیفیت زندگی جنسی و سازگار جنسی (بهرامی، یعقوب زاده، شریف نیا، سلیمانی و حق دوست، ۱۳۹۵). هادسون - هریسون و کروسکاپ (۱۹۸۱) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۹۱ و باز-آزمایی ۰/۹۳ (p / ۰۰۱)؛ و نائینیان و نیک آذین (۱۳۹۱) ضریب پایایی ۰/۸۶ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۹۰ به دست آمد.

### روند اجرای پژوهش

شرکت‌کنندگان متقاضی طلاق و افراد عادی پس از رضایت شفاهی و کتبی و تمایل به همکاری و بر اساس شرایط ورود به پژوهش و توضیح‌هایی در زمینه اهداف پژوهش و شیوه پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌ها و محرمانه بودن اطلاعات شخصی انتخاب گردیدند.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (تحلیل واریانس یک راهه) در محیط نرم افزار آماری SPSS-۱۸، بر اساس رعایت مفروضه‌های این روش آماری انجام گرفت.

### یافته‌ها

جدول ۱ نشان می‌دهد، که بالاترین تحصیلات در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی به سطح تحصیلات دیپلم و پایین‌تر از دیپلم و بیشترین درصد فراوانی متغیر مدت ازدواج در گروه متقاضی طلاق به طبقه زیر ۵ سال و در گروه عادی به طبقه بالای ۵ سال تعلق دارد و اطلاعات مربوط به مرحله زندگی شرکت‌کننده‌ها در دو طبقه متقاضی طلاق و عادی در جدول ذکر شده است.

نتایج آزمون نرمال بودن و همگنی واریانس‌های لون برای استفاده از تحلیل واریانس یک راهه همگی نشان از توزیع نرمال متغیرها و برابری واریانس دو گروه از زوج‌های متقاضی طلاق و زوج‌های عادی در متغیرهای وابسته است.

1. Enrich Questionnaire

2. Potrez & Capbell

جدول ۱  
ویژگی‌های جمعیتی گروه‌های متقاضی طلاق و عادی

شاخص	نوع گروه		
	زوجین متقاضی طلاق فراوانی (درصد)	زوجین عادی فراوانی (درصد)	
تحصیلات	دیپلم و زیر دیپلم	۱۳۸ (۶۹٪)	۵۳ (۳۷/۹٪)
	فوق دیپلم	۱۰ (۵٪)	۲۳ (۱۶/۴٪)
	لیسانس	۳۶ (۱۸٪)	۴۷ (۳۳/۶٪)
	فوق لیسانس و دکترا	۱۶ (۸٪)	۱۷ (۱۲/۱٪)
مدت ازدواج	کمتر از ۵ سال	۵۵ (۵۵٪)	۲۲ (۳۱/۴٪)
	۵-۱۰ سال	۳۰ (۳۰٪)	۱۸ (۲۵/۷٪)
	بالاتر از ۱۰ سال	۱۵ (۱۵٪)	۳۰ (۴۲/۹٪)
مرحله زندگی	نامزدی / عقد	۳۴ (۳۴٪)	۱۰ (۱۴/۳٪)
	ازدواج	۶۶ (۶۶٪)	۶۰ (۸۵/۷٪)
جمع	۱۰۰	۷۰	

جدول ۲

نتایج تحلیل واریانس یک راهه زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در متغیرهای تمایزیافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی

متغیرها	زوج‌های متقاضی طلاق		زوج‌های عادی		نسبت F	سطح p
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
تمایزیافتگی	۲۰/۰۹	۱۱۳/۴۲	۱۹/۹۳	۱۱۳/۴۲	۰/۰۷	۰/۷۹۰
واکنش عاطفی	۷/۲۰	۳۴/۵۲	۷/۱۱	۳۴/۵۲	۰/۱۷	۰/۶۷۹
گسلش عاطفی	۹/۱۴	۴۱/۳۳	۸/۲۴	۴۱/۳۳	۰/۳۲	۰/۵۶۷
جایگاه من	۰/۱۹	۳/۵۸	۰/۱۸	۳/۵۸	۱/۹۳	۰/۱۶۵
آمیختگی با دیگران	۸/۳۸	۳۳/۹۶	۸/۱۲	۳۳/۹۶	۰/۸۷	۰/۳۵۰
ارتباط سازنده متقابل	۱/۰۶	۳۰/۳۵	۸/۱۵	۳۰/۳۵	۷۵/۹۹	< ۰/۰۱
ارتباط توقع/کناره‌گیر	۰/۲۶	۳/۲۷	۰/۳۲	۳/۲۷	۲۲/۰۹	< ۰/۰۰۱
ارتباط اجتناب متقابل	۵/۵۲	۱۱/۴۸	۵/۶۲	۱۱/۴۸	۶۸/۶۱	< ۰/۰۰۱
رضایت جنسی	۲/۴۷	۱۱۲/۵۹	۲۱/۷۴	۱۱۲/۵۹	۱۷۳/۴۵	< ۰/۰۰۱

با توجه به مندرجات جدول ۲ بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از نظر میزان تمایزیافتگی خود ( $F = ۰/۰۷$ ,  $p = ۰/۷۹۰$ ) و مؤلفه‌های واکنش عاطفی ( $F = ۰/۱۷$ ,  $p = ۰/۶۷۹$ )، گسلش عاطفی ( $F = ۰/۳۲$ ,  $p = ۰/۵۶۷$ )، جایگاه من ( $F = ۱/۹۳$ ,  $p = ۰/۱۶۵$ ) و آمیختگی با دیگران ( $F = ۰/۸۷$ )، تفاوت وجود ندارد. در حالی که متغیرهای الگوهای ارتباطی سازنده متقابل ( $F = ۷۵/۹۹$ ,  $p < ۰/۰۰۱$ )، توقع/کناره‌گیر ( $F = ۲۲/۰۹$ ,  $p < ۰/۰۰۱$ )، اجتناب متقابل ( $F = ۶۸/۶۱$ ,  $p < ۰/۰۰۱$ ) و میزان رضایت جنسی ( $F = ۱۷۳/۴۵$ ,  $p < ۰/۰۰۱$ ) تفاوت معناداری بین گروه‌های متقاضی طلاق و

عادی وجود دارد. به عبارت دیگر زوج‌های گروه متقاضی طلاق از لحاظ الگوی ارتباطی سازنده متقابل و میزان رضایت جنسی در سطح پایین‌تر و از لحاظ الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر و اجتناب متقابل در سطح بالاتری نسبت به گروه عادی قرار دارند.

### بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی و مقایسه تمایز یافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی بود. یافته‌ها نشان داد که بین دو گروه متقاضی طلاق و عادی از لحاظ تمایز یافتگی خود و مؤلفه‌های چهارگانه تفاوت وجود ندارند، که با نتایج پژوهش‌های اسکورون (۲۰۰۰)، موسوی (۱۳۹۴)، صمدی (۱۳۹۴) و محسنیان، کرملو و گنجوی (۱۳۸۶) مغایرت دارد. در تبیین چنین ناهمسویی و اینکه چرا در پژوهش حاضر سطح پایین تمایز یافتگی افراد در نمونه عادی، منجر به بروز طلاق در میان زوجین نشده است، این چنین می‌توان استنباط کرد که به نظر می‌رسد با توجه به نمره‌های پایین آزمودنی‌ها در مقیاس تمایز یافتگی، بحث تمایز از والدین و خانواده مبدأ، در اولویت افراد شرکت‌کننده در این پژوهش قرار ندارد. این امر می‌تواند احتمالاً ناشی از فرهنگ و قومیت جمع‌گرایی جامعه مورد نظر باشد. در خانواده‌های جمع‌گرا نقش خانواده اصلی همسران در زندگی زناشویی آنها بسیار پر رنگ است و وفادار ماندن همسران حتی بعد از ازدواج به خانواده اصلی‌شان امری مهم تلقی می‌شود. در این فرهنگ‌ها رابطه والد-فرزند بسیار مهم‌تر از رابطه زن و شوهری تلقی می‌شود و رفتارهای فرزندان به گونه‌ای تشویق و جهت‌دهی می‌شوند که در صدد برآوردن رضایت خانواده باشد و نه رضایت فردی (رورتو- فورمن، ۲۰۰۸). همچنین در خانواده‌های جمع‌گرا، اتصال مادام‌العمر بین نسلی و احترام فرزندان به اقتدار والدین در تمام سنین، بسیار ارزشمند شمرده می‌شود (فالیکو، ۲۰۰۳) در تأیید این تبیین نتایج پژوهش چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی، صادقی و سلمانی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که در ارتباط بین همسران با خانواده اصلی آنها در فرهنگ جمع‌گرایی، مفهوم تمایز یافتگی به شکلی که در نظریه بوئن معرفی می‌گردد رخ نمی‌دهد. به گونه‌ای که همسران حتی پس از ازدواج نیز پیوندهای عاطفی شدیدی با خانواده مبدأ خود دارند.

بنابراین بر اساس نتایج، تمایز یافتگی پایین و وجود پیوندهای عاطفی شدید بین هریک از همسران با خانواده اصلی‌شان، چالش بزرگی برای ازدواج آنها محسوب نمی‌شود و با وجود آنکه در حال حاضر اغلب همسران پس از ازدواج منزلی جدا از دو خانواده را برای سکونت انتخاب می‌کنند اما پیوندی قوی با خانواده اصلی خود حتی پس از ازدواج دارند. لذا در هر جامعه‌ای شکست یا موفقیت در ازدواج از عوامل فرهنگی مردمان آن جامعه نیز تأثیر می‌گیرد. بطوریکه افراد در بافت‌های فرهنگی مختلف اولویت‌ها، نیازها و انتظارات متفاوتی نسبت به ازدواج دارند که شیوه‌ی تحقق آنها می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی آنها را تحت تأثیر قرار دهد (پفیفیر، ۲۰۱۳).

دیگر نتایج پژوهش نشان داد که بین دو گروه در انواع الگوهای ارتباطی تفاوت وجود دارد. بطوریکه زوجین متقاضی طلاق بیشتر از الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیر و زوجین عادی بیشتر از الگوی ارتباطی سازنده متقابل در روابط زوجی خود استفاده کرده، که با نتایج پژوهش‌های کدخدایی (۱۳۹۴)، طراح (۱۳۹۴)، بابایی و همکاران (۱۳۹۳)، لدبتر (۲۰۰۹)، میلز (۲۰۰۸)، اسمیت، هون و سیاروچی (۲۰۰۸)، کریستنسن و سالووی (۱۹۹۱) مبنی بر این که نوع الگوهای ارتباطی زوجین در ناسازگاری و طلاق زوجین دخیل است همخوانی دارد. این‌گونه می‌توان استنباط کرد که نوع الگوهای ارتباطی زوجین پیش‌زمینه بروز تعارض‌های زناشویی است. از این رو ارتباط را می‌توان به عنوان معیار معتبری برای تشخیص زوج‌های خوشبخت و ناراضی مورد استفاده قرار داد. چنانچه الگوی ارتباطی سازنده متقابل به عنوان الگوی غالب در روابط زناشویی به کار برده شود با افزایش میزان رضایت زناشویی زوجین همراه خواهد بود. مهم‌ترین ویژگی این الگو، این است که؛ الگوی ارتباطی زوجین از نوع برنده-برنده می‌باشد. در این الگو زوجین به راحتی در مورد مسائل و تعارض‌های خود گفتگو می‌کنند و به دنبال حل آن برمی‌آیند و از واکنش‌های غیرمنطقی و پرخاشگری خودداری می‌کنند (جاویدی، سلیمانی، احمدی و صمدزاده، ۱۳۹۲). بورپی و لنگر (۲۰۰۵) و کافلین و ونجیستی (۲۰۰۰) معتقدند که همسرانی که توانایی برقراری ارتباط سازنده را دارند، از شیوه برنده-برنده استفاده می‌کنند و به عنوان رقیب به یکدیگر نگاه نمی‌کنند. به عقیده لورنتز (۲۰۰۲) توافق و مصالحه بین زن و شوهر بدون صحبت کردن در مورد مسائل، نظرات و عقاید ایجاد نمی‌شود. همچنین با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و توقع / کناره‌گیر به عنوان الگوهای مخرب در روابط زناشویی، زوجین متقاضی طلاق است. بطوریکه در این الگوی مای ارتباطی ناکارآمد، هر دو زوج و یا یکی از آنها در هنگام بروز اختلاف، از برقراری ارتباط با یکدیگر خودداری کرده و مشکل و تعارض به صورت حل نشده باقی می‌ماند و همین امر باعث کاهش رضایت زناشویی و افزایش احتمال بروز طلاق در میان زوجین می‌شود (هنرپروران، قادری و قبادی ۱۳۹۰). رابرتز (۲۰۰۰) بر این باور است که الگوی توقع / کناره‌گیر در پیوند زناشویی با ناخشنودی زناشویی، افسردگی، اضطراب و جدایی همراه است. در واقع ارتباط روشن و مؤثر بین زوجین موجب رشد احساسات و ارزش‌ها شده و سنگ زیر بنایی خانواده سالم و موفق را تشکیل می‌دهد.

بخش آخر نتایج این پژوهش نشان داد که میانگین میزان رضایت جنسی زوجین متقاضی طلاق ۷۸/۴۴ و در گروه عادی ۱۱۲/۵۹ می‌باشد. و این بدین معنا است که رضایت جنسی زوجین عادی بالاتر از زوجین متقاضی طلاق است. این یافته نیز با نتایج پژوهش‌های قاسمی (۱۳۹۵)، مهدوی (۱۳۹۱)، کوب و همکاران (۲۰۰۶) و شاکریانو همکاران (۲۰۱۴) همسو می‌باشد. این چنین می‌توان استنباط کرد که رضایت از رابطه جنسی در میان زوجین سهم مؤثری در دوام و پایداری خانواده دارد و مانع از فروپاشی نهاد خانواده می‌شود. تعارض‌ها و مشکلات جنسی، همواره جزء چند علت اول طلاق و تعارض‌های زناشویی هستند. در کشور ما نیز هر ساله آمارهای متعددی درباره علل مشکلات زناشویی و طلاق مطرح می‌شود که در این بین، نقش مشکلات و عوامل جنسی

بسیار بارز است (مفید، فاتحی‌زاده، احمدی و اعتمادی، ۱۳۹۵). در مطالعه‌ای نشان داده شده است که ۵۰ تا ۶۰ درصد طلاق‌های صورت گرفته به دلیل مشکلات و اختلالات جنسی است (فروتن، ۱۳۸۷). تحقیق کوب<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که عدم توجه به نیازهای جنسی همسر، زوجین را دچار عصبانیت و دل‌سردی می‌کند و به تدریج موجب بروز رفتارهای پر خاشگرانه و در نهایت منجر به افسردگی، خیانت و طلاق می‌شود. ساتیلا و همکاران (۲۰۰۸) و اشدون، هاکارثون و کلارک (۲۰۱۱) نشان دادند که رضایت جنسی عامل شکست یا موفقیت در روابط زناشویی زوجین می‌باشد. ارتباطات جنسی همسران فرآیندی دوطرفه است که هرگونه اختلال در آن می‌تواند زمینه‌ای جهت بروز مشکلات و متزلزل شدن کانون خانواده باشد. وجود مشکلاتی در زمینه‌ی مسائل جنسی مثل کمبود تمایلات، ناتوانی، انزال زودرس، چه بسا به خاطر ترس و اضطراب، شرم و خجالت یا احساس بی‌کفایتی و گناه مخفی مانده بیان نمی‌شوند و در بسیاری از مواقع این مشکلات نهفته ممکن است خود را با علائم و عوارض دیگری مثل ناراحتی‌های جسمانی، افسردگی و نارضایتی از زندگی زناشویی و عدم تعهد زناشویی نشان دهند و زندگی زناشویی را تا مرز اختلافات شدید خانوادگی و طلاق پیش ببرند (شاه سیاه و همکاران، ۱۳۸۸).

### نتیجه‌گیری

بدون شک طلاق یکی از پدیده‌هایی است که ثبات خانواده را تهدید نموده و پیامدها و اثرات منفی بر خانواده، زوجین، فرزندان و به طور کلی بر جامعه خواهد داشت. بنابر این نشان داد الگوهای ارتباطی زوجین و میزان رضایت جنسی آنها هریک به تنهایی متغیرهایی هستند که می‌توانند در گرایش زوجین به سمت طلاق نقش داشته باشند، اما باید گفت که انحلال خانواده و زندگی زناشویی تنها یک رخداد تک متغیری و خطی نیست بلکه فرآیندی چند متغیری است. در اصل مجموعه‌ای از عوامل در هم تنیده‌اند و با هم شبکه‌ای پیچیده را تشکیل می‌دهند که تحت عنوان عوامل تهدید کننده خانواده از آن‌ها یاد می‌شود. این عوامل به همراه یکدیگر پیش‌بینی کننده انحلال زندگی زناشویی و در نهایت طلاق است. وجود الگوهای ارتباطی ناکارآمد و میزان رضایت جنسی پایین در میان زوجین تنش‌ها و فشارهای زندگی زوجی را افزایش می‌دهد و بر گرایش زوجین به سمت طلاق اثر می‌گذارد. به هر حال، محدودیت عمده این پژوهش محدود به استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و داوطلبانه است که تعمیم‌پذیری نتایج را با اشکال مواجه می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود سایر علل گرایش افراد به طلاق نیز در یک پژوهش به همراه یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان از تعامل بین آن‌ها شناخت بیشتری به دست آورد.

### سپاسگزاری

در پایان از تمامی مسئولان سازمان بهزیستی استان، کلیه مراکز مشاوره و شرکت‌کنندگان پژوهش که ما را در این پژوهش همراهی نموده‌اند سپاسگزاریم

## منابع

- امانی، احمد و لطافتی، رامین (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، ۳(۲)، ۳۶-۱۷.
- امانی، احمد؛ یوسفی، ناصر و فنایی، الهام (۱۳۹۵). اثربخشی درمان وجودی به شیوه‌ی گروهی بر تمایز یافتگی و الگوهای ارتباطی دانشجویان دختر مرحله عقد. *مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۶(۲)، ۳۱-۱۶.
- آقاجانی، طهمورث؛ شوقی، بهزاد و نعیمی، سارا (۱۳۹۳). تحلیل روابط ساختاری بین آموزش خود متمایزسازی با اضطراب امتحان باورهای خودکارآمدی. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی* (۱)، ۱۱۵-۳۴-۴۳.
- آقایی، مرضیه (۱۳۹۳). *بررسی نقش صمیمیت و رضایت جنسی در گرایش مردان متأهل به روابط فرازناشویی: بررسی جهت‌گیری مذهبی به عنوان متغیر میانجی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا (س).
- بابایی گرمخانی، محسن؛ مدنی، یاسر و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۳). بررسی رابطه معیارهای ارتباطی غیرواقعی با الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، ۴(۱)، ۸۴-۶۷.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۹۱). رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در نمونه‌ای از زوجین ایرانی: نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، ۲(۱)، ۱۸-۱.
- بوالهروی، جعفر؛ رمضان زاده، فاطمه؛ عابدی نیا، نسرین؛ نقی زاده، محمدمهدی؛ پهلوانی، هاجر و صابری، مهدی (۱۳۹۱). بررسی برخی علل منجر به تقاضای طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران. *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، ۸(۴)، ۹۳-۸۳.
- بهرامی، نسیم؛ یعقوب زاده، آمنه؛ شریف نیا، سید حمید؛ سلیمانی، محمد علی و حق‌دوست، علی‌اکبر (۱۳۹۵). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه رضایت جنسی لارسون در نمونه‌ای از زوجین نابارور ایرانی. *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، ۱۲(۲)، ۳۱-۱۸.
- پوراکبر، سمیه (۱۳۸۹). *بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی در تبیین رابطه بین رضایت جنسی با رضامندی زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- جاویدی، نصیرالدین؛ سلیمانی، علی‌اکبر، احمدی، خدابخش و صمزداده، منا (۱۳۹۲). اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار EFT بر بهبود الگوهای ارتباطی زوجین. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۱(۵)، ۴۱۰-۴۰۲.

چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی؛ موتابی، فرشته؛ پناغی، لیلی؛ صادقی، منصوره السادات و سلمانی، خدیجه (۱۳۹۴). پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی. *راهبرد فرهنگ*، ۸ (۳۱)، ۹۹-۱۲۵.

خجسته مهر، رضا؛ عطاری، یوسف علی و شیرالی نیا، خدیجه (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر الگوهای ارتباطی و احساسات مثبت نسبت به همسر در زوجین شهر اهواز. *فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۷ (۲۷)، ۹۶-۸۱.

درعلی، رؤیا و سهرابی، نادره (۱۳۹۳). نقش واسطه‌گری تعارض‌های زناشویی در رابطه بین سبک‌های تنظیم شناختی هیجانی و کیفیت روابط جنسی. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی* ۴ (۲)، ۴۸-۳۷.

سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۵). *طلاق‌های ثبت شده در سال‌های مختلف*. برگرفته از: <http://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid=۴۷۷۳>

سامانی؛ سیامک و بهبهانی؛ مینا (۱۳۹۰). الگوهای ارتباطی در گونه‌های مختلف خانواده در مدل بافت‌نگر فرآیند و محتوای خانواده. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۱ (۲)، ۱۱۹-۱۳۴.

شاه سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه و محبی، سیامک (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. *فصلنامه روانشناسی اصول بهداشت روانی*، ۱۱ (۳)، ۲۳۸-۲۳۳.

شایگان مطلق، زهرا (۱۳۹۲). *پیش‌بینی میزان بخشودگی زوجین بر اساس مؤلفه‌های تمایز یافتگی و ابعاد جهت‌گیری مذهبی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا (س).

شمس‌الدینی، آذر (۱۳۹۵). *سیر تحولات قانون‌گذاری طلاق در حقوق ایران و علل آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

صمدی، لیلیا (۱۳۹۴). *پیش‌بینی طلاق بر اساس مکانیزم‌های دفاعی، تمایز یافتگی و هوش معنوی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علم و فرهنگ تهران.

طراح، فاطمه (۱۳۹۴). *پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بر مبنای عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین دانشجویان متاهل دانشگاه شهید باهنر کرمان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه باهنر.

عبادت پور، مهناز (۱۳۷۹). *هنجارهایی پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی.

فروتن، کاظم (۱۳۸۷). ۵۰ درصد طلاق‌ها ریشه در مشکلات جنسی دارد. روزنامه سلامت، ۳ (۱۶۵)، ۴.

قاسمی، فاطمه (۱۳۹۵). *پیش بینی گرایش به طلاق براساس نگرش مذهبی، رضایت جنسی و ابعاد شخصیت در زنان پیراپزشک کرمان*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

کدخدایی، مریم (۱۳۹۴). *مقایسه تحریف های شناختی والگوهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق و عادی شهر شیراز*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.

گلاسر، ویلیام (۲۰۰۳). *نظریه انتخاب*. ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۵۸). تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت. (۲۰۰۰). *خانواده درمانی*. ترجمه: سیامک نقش‌بندی و الهام ارجمند (۱۳۹۲). تهران: روان.

محسنیان، محمد؛ کرملو، سمیرا و گنجوی، آناهیتا (۱۳۸۶). رابطه میان تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی از متقاضیان طلاق. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۳(۱۲)، ۸۳۷-۸۲۷.

مفید، وحیده؛ احمدی، احمد و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۳). مقایسه میزان تأثیر مشاوره شناختی - رفتاری و مشاوره راه حل مدار بر رضایت جنسی زنان در شهر اصفهان. *فصلنامه زن و جامعه*، ۱(۳)، ۸۳-۶۷.

موسوی، کبری (۱۳۹۴). مقایسه ویژگی های سخت رویی و تمایز یافتگی در زنان عادی و متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگاههای خانواده و مراکز بهزیستی شهرستان مهر. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه مرودشت.

مهدوی، نفیسه (۱۳۹۱). مقایسه رضایت جنسی و رضایت زناشویی، نقش جنسیتی، سبکهای دلبستگی و نوروگرایی در افراد در آستانه طلاق و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده درمانی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علم و فرهنگ.

نابینیان، محمدرضا و نیک آذین، امیر (۱۳۹۱). رابطه صمیمیت و رضایت جنسی با سلامت عمومی و بهزیستی شخصی. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۰(۷)، ۷۴۵-۷۳۵.

هنر پروران، نازنین؛ قادری، زهرا و قبادی، کبری (۱۳۹۰). مقایسه الگوهای ارتباطی و تعارضات زناشویی در زنان متأهل شاغل در بانکهای دولتی و زنان خانه‌دار شهر شیراز. *جامعه‌شناسی زنان*، ۲(۳)، ۱۰۳-۱۲۲.

یونسی، فاطمه (۱۳۸۵). *هنجاریابی و تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون خود تمایز سازی در بین افراد ۲۵-۵۰ ساله*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

- Ashdown Brien, K., Hackathorn, J., & Clark, M. (2011). In and out of the bedroom: sexual satisfaction in the marital relationship. *Journal of Integrated Social Sciences*, 2(1), 40-57.
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Jason Aronson.
- Burpee, L., & Langer, E. (2005). Mindfulness and marital satisfaction. *Journal of Adult Development*, 12(1), 43-51.
- Caughlin, J. P., & Vangeisti, A. L. (2000). An individual difference explanation of why married couples engage in the demand/withdraw pattern of conflict. *Journal of Social and Personal Relationships*, 17(4), 523-551.
- Christensen, A., & Salavy, R. J. (1991). Communication, conflict, and psychological distance in nondistressed, clinic and divorcing couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 59(3), 458-463.
- Cobb, A. R., Tedeschi, R. G., & Calhom, L.G. (2006). Correlates of posttraumatic growth in survivors of intimate partner violence. *Journal of Trauma Stress*, 19(6), 895-903.
- Falicov, C. J. (2003). *Culture in Family Therapy: New variations on a fundamental*
- Fuentes, M. D. M. S., & Iglesias, P. S. (2014). A systematic review of sexual satisfaction. *International Journal of Clinical and Health Psychology*, 14(1), 67-75.
- Heaven, P. C. L., Smith, L. M., Prabhakar, S., Abraham, J., & Mete, M. E. (2006). Personality and conflict communication patterns in cohabiting couples. *Journal of Research in Personality*, 40(5), 829-840.
- Heavey, C. L., Layne, C., & Christensen, A. (1993). Gender and Conflict Structure in Marital Interaction: A Replication and Extension. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61(1), 16-27.
- Hudson, W. W., Harrison, D. F., & Crosscup, P. C. (1981). A short-form scale to measure sexual discord in dyadic relationships. *Journal of Sex Research*, 17(2), 74-157.
- Ledbetter, M. A. (2009). Family communication patterns and relational maintenance behavior: Direct and mediated association with friendship closeness. *Journal of Human Communication Research*, 35(1), 130-147.
- Lorentz, C. D. (2002). *Husband and wife communication behaviors: A look at gender difference and their relationship to satisfaction and distress*. Independent research project. University of Wyoming, 12(5). 155-169.
- Maser, M. J. (2011). *A construct validity of differentiation of self measures & their correlates*. Doctora dissertation. Seton Hall University.
- Mills, L.G. (2008). Shame and Intimate Abuse: The critical missing Link between cause and cure. *Journal of Children and Youth Services Review*, 30(6), 631-638.
- Pfeifer, L.; R. B. Miller.; T. Li., & Hsiao, T. (2013). Perceived marital problems in Taiwan. *Journal of Contemporary Family Therapy*. 35. 91-104.

- Roberto-Forman, L. (2008). Transgenerational Couple Therapy. In Gurman, A. S. (Eds). *Clinical Handbook of Couple Therapy*. (196-228). New York: Guilford Publication.
- Roberts, L. J. (2000). Fire and ice in marital communication: Hostile and distancing behaviors as predictors of marital distress. *Journal of Marriage & Family*, 62(3), 623-707.
- Santtila, P., Wager, I., Witting, K., Harlaar, N., Jern, P., Johansson, A., & Sandnabba, N. K. (2008). Discrepancies between sexual desire and sexual activity: Gender differences and associations with relationship satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 34(1), 29-42.
- Shakerian, A., Nazari, A., Masoomi, M., Ebrahimi, P., & Danai, S. (2014). Inspecting the relationship between sexual satisfaction and marital problems of divorce-asking women in Sanandaj City family courts. *Journal of Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114(21), 327-331.
- Skorown, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29(2), 209-222.
- Skoworn, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47(2), 223-297.
- Smith, L. M., Heaven, P. C. L., & Ciarrochi, J. (2008). Trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction. *Journal of Personality and Individual Differences*, 44(6), 1314-1325.
- Theme. In Sexton, T. L., Weeks, G. R, Robbins, M. S. (Eds). *Handbook of Family Therapy: The Science and Practice of Working with Family and Couples*. (37-53).
- Trudel, G., & Goldfarb, M. R. (2010). Marital a sexual functioning and dysfunctioning, depression and anxiety. *Journal of Sexologies*, 19(14), 137-142.
- Wille, S. T. (2000). Marital intraction and satissfation: A longitudinal view. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57(1), 5-47.